

بررسی سنخ‌های هویتی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰

محمدرضا جلالی^۱

چکیده

نوجوانی به عنوان مقطعی بحرانی از تحول و زمینه‌ای بنیادی برای تکوین، هویت بیش از همه در نظریه روانی - اجتماعی اریکسون، تبلور یافته است. مارسیا در پی‌گیری مفهوم هویت در نظر اریکسون، روندهایی در شکل‌گیری اشکال مثبت و منفی هویت بر مبنای بحران و تعهد تعیین کرد؛ در پرسش‌نامه سنجش هویت بنیون و آدامز مشخصاً چهار سنخ هویت موفق، معوق، زودرس و آشفته که پایه‌های مفهومی و عملیاتی آنها از سوی اریکسون و مارسیا واریسی و مشخص شده بود، تنظیم شده است. بر اساس این پرسشنامه، پژوهش‌های گسترده‌ای در سراسر جهان به عمل آمده است. در پژوهش حاضر نیز با ابزار مذکور به بررسی سنخ‌های دانشجویان خوابگاهی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران مبادرت شد. نتایج نشان داد که تقریباً هویت زودرس بیشترین میزان هویتی دانشجویان و هویت معوق در کمترین حد آن است، این در حالی است که اریکسون به اقتضای ویژگی جستجوگری این نوع هویت و انتظار تناسب آن با اقتضای دانشجویی، بر این تصور بود که هویت معوق بیشترین هویت دانشجویی را تشکیل می‌دهد و مارسیا تصور می‌کرد فرصت دانشجویی موجب تغییر و تبدیل هویت انفعالی و تقلیدی زودرس به هویت‌های پیشرفته خواهد بود. میزان سنخ‌های هویتی چهارگانه در بُعدهای کلی، ایدئولوژیک و بین فردی در سطوح سنی، جنسیتی، مقطع تحصیلی دانشجویان و تحصیلات والدین نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی:

هویت موفق، هویت معوق، هویت زودرس، هویت آشفته، هویت بین فردی، هویت ایدئولوژیک، نوجوانی.

بیان مسأله

بر مبنای نظریه‌های روان‌شناسی، مشخصاً و بیش از همه اریکسون، مقطع نوجوانی که محدوده آن از ۱۹ تا ۲۲ سالگی در نظر گرفته می‌شود، مرحله هویت‌یابی و تشخیص‌طلبی است. هویت، نقش و مقام اجتماعی فرد و ادراک از آن است. مفهوم هویت در نظریه اریکسون حتی در برگیرنده جنبه وجودی^۱ و جایگاه فرد در جهان و هستی نیز هست؛ در این که معنای زندگی چیست یا معنای زندگی من چیست (بورن، ۱۹۷۸). اریکسون فرایند تشخیص‌یابی روانی و اجتماعی را مرتبط با هم اما مستقل از هم می‌داند. در واقع او بر سه وجه شخصی، اجتماعی و فرهنگی هویت معطوف بود. اریکسون واژه هویت را برای سبک‌های متفاوت در موقعیت‌های متفاوت به کار برده است، اما همه معانی او به ارتباط متقابل جنبه‌های فردی و اجتماعی اشاره دارند. مرحله بحرانی^۲ نوجوانی و هویت‌یابی، مرحله ممارست در سازش‌یابی‌های اجتماعی، تمرین مدارا و تحمل، یادگیری وفاداری^۳، و شکل‌دهی فرایند جدایی - تفرد^۴ و تمهیداتی برای ورود در مرحله بعدی یعنی مرحله صمیمیت^۵ و ارتباط و نزدیکی است. آنان که در مرحله هویت‌طلبی توفیقی نیابند و به گم‌گشتگی و سردرگمی و حیرانی نقش^۶ دچار آیند؛ در مرحله صمیمیت از روابط با دیگران کناره‌گیری می‌کنند، فاقد ظرفیت‌های بین فردی‌اند، و قادر به بروز تعهد و وفاداری نیستند. به نظر مارسیا (۱۹۸۷، ۱۹۶۷) در این مرحله دستیابی به هویت و تصمیم‌گیری در حوزه‌های شغلی، مذهبی، سیاسی و جنسی یعنی مضامینی که در ساختار مصاحبه و پرسش‌نامه خویش نیز وارد ساخته، ممکن می‌شود. در نظر مارسیا (۱۹۸۷) هم همچون اریکسون حل بحران این مقطع حساس تحولی ربط وثیقی با یافته‌ها و داشته‌های از مراحل قبل دارد و افرادی که در رفع بحران‌های مقاطع تحولی قبلی ناکام مانده‌اند، شانس زیادی در دست‌یابی به هویت مثبت نخواهند داشت. وی در عملیاتی کردن و قابلیت اندازه‌گیری نمودن مفهوم هویت، مفهومی تحت عنوان پایگاه هویت مطرح ساخته است (۱۹۶۶) که بیشتر پژوهش‌های بعدی در خصوص تکوین هویت از این رویکرد پیروی کرده‌اند (والده،

1. existential

۲. critical. اریکسون واژه بحرانی را در معنای حیاتی و نقطه عطف به کار می‌گیرد. در هشت مرحله مورد نظر او بحران‌هایی در کار است و در مهمترین مرحله یعنی نوجوانی، بحران هویت، نقطه عطفی برای تشخیص‌خواهی در زندگی است که در مقابل تحیر و گیجی و آشفتگی قرار می‌گیرد.

3. fidelity

4. separation - individuation

5. intimacy

6. role confusion

۱۹۹۶). مارسیا دو روند را در فراشد شکل‌گیری هویت، اساسی تلقی می‌کند: بحران و تعهد^۱؛ که یکی به تکاپوگری اشارت دارد و دیگری به پذیرفتاری هویت بازیافته. روند بهنجار آن است که کسی در سرانجام جستجوگری، هویتی متعین در خود شکل دهد و به آن وفادار بماند. این سنخ طبیعی هویتی را مارسیا هویت دستیابی^۲ می‌نامد. اما بر اساس غلبه یکی از دو روند بحران و تعهد و یا فقدان آن دو، اشکال دیگری از هویت که مادون هویت موفقند، یعنی هویت‌های تعلیقی، زودرس و آشفته نیز شکل می‌گیرند. افراد واجد هویت موفق در زمینه فرهنگی اجتماع خویش دست به پرسش‌گری می‌زنند، علایق خویش را تعقیب می‌کنند، در امور تأمل می‌کنند، تصمیم مستقل می‌گیرند، ایمنی روانی و قدرت سازگاری و انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. تعهد این افراد بر خلاف تعهد افراد دچار هویت زودرس نه دیگر ساخته که خودساخته است. افراد واجد هویت معوق روند تکاپوگری و سنجش‌گری را طولانی می‌کنند و تصمیم و تعهد را به تأخیر می‌اندازند و افراد واجد هویت زودرس بی‌تأمل و کاوش، به هویت‌های متعین و کلیشه‌ای القایی مراجع اقتدار در جامعه، متعهد شده و تقلیدی و انفعالی از آنها تمکین می‌کنند؛ اختیار و انتخاب و اراده خویش را به از خود برتران تفویض می‌کنند، ناپختگی و رشد نایافتگی در این افراد چنان که تردیدگرایی در گروه پیشین بارز است. اینان برخلاف دو گروه هویتی پیشین - موفق و معوق - سطح انتظارات محدودی در خود شکل می‌دهند. مطابق تقسیمات برزونسکی از هویت، این سبک هویتی قابل انطباق با گروه هنجاری که معطوف به انتظارات و دستورات گروه‌های مرجعند، خواهد بود (برزونسکی، ۱۹۹۲). دست آخر کسی که نه در حال گذراندن بحران هویت است و نه تعهد مشخصی نشان می‌دهد، در پایگاه پراکندگی و اغتشاش هویت یا هویت آشفته قرار دارد. وی دچار افکار و رفتاری نامشخص و بی‌جهت است. فقدان کنترل و ثبات و جهت‌مداری در روند زندگی و لذت‌گرایی ابن‌الوقتی بر رفتار وی حاکم است. این دو گروه اخیر مشکلات سازگاری دارند، متحجر و خشک و غیرمنعطف رفتار می‌کنند و به دلیل تصلب‌های ذهنی و خودانگاره ثابت و محافظه‌کارانه، پذیرای تجربه‌های جدید نیستند و از آن یعنی آزمون تجربه‌های جدید بازداری می‌کنند. ناتوان در انطباق‌دهی خود با شرایط جدید، هر تغییر و اختلاف نظری را تهدیدی علیه خویشتن به شمار می‌آورند.

اریکسون پیش‌بینی کرده بود هویت دیررس یا معوق در سال‌های اولیه دانشگاه به اوج می‌رسد و آرچر و واترمن (۱۹۹۴)، مونرو و آدامز (۱۹۹۷)، استریت مایر (۱۹۹۳) نیز معتقد بودند تعلیق هویت در میان جوانان دانشگاهی رواج بیشتری دارد (به نقل از گل شکوه، ۱۳۸۲).

-
1. commitment
 2. achievement

مارسیا (۱۹۶۶) نیز بر این تصور بود که محیط دانشگاه و حضور در آن فرصتی است که هویت‌های زودرس به هویت‌های موفق تبدیل شود. این هر دو - هویت‌های موفق و زودرس - به نوعی هویت اجتماعی اشاره دارند، اما در یکی اجتماعی شدن، فعالانه رخ می‌دهد و در دیگری اجتماعی‌پذیری، فعل پذیرانه تحقق می‌یابد. به نظر مارسیا (۱۹۸۷) افراد دچار هویت آشفته که در نامطلوبترین وضعیت هویتی قرار می‌گیرند، در سیر بحران‌های مراحل قبلی ناکام مانده و دچار شکست در اعتماد^۱، اطمینان، و ایمنی‌یابی، خود مختاری^۲، استقلال و ابتکارگری^۳، تردید^۴ و احساس گناه^۵ شده‌اند. اسپیرنتال و اسپیرنتال (۱۹۹۴) معتقد هستند افراد دچار هویت آشفته، تأکید بر زندگی لحظه‌ای و نسبی‌گرایانه دارند. با این حال بیش از آن که امور در اختیارشان باشد، در اختیار و تابع امورند.

در پژوهش حاضر پایگاه‌های هویتی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که در سطوح ارتباطی کاملاً متفاوتی از گذشته - مثلاً ارتباط با فرهنگ‌های مختلف، تعامل‌های گسترده، روی‌آوری به جنس مخالف - قرار می‌گیرند و در حال تکوین و استقرار هویت هستند در سه بُعد کلی، ایدئولوژیک و بین فردی مورد بررسی قرار گرفتند.

بُعد کلی به نوعی از تشخیص‌های چهارگانه در دو وجه ایدئولوژیک و بین فردی دلالت دارد و تشخیص فرد در باورها و شیوه‌های ارتباطی را نشان‌گر است. بر اساس نظریه‌ها نوعی همگرایی میان دو بُعد ایدئولوژیک و بین فردی که مجموعاً هویت کلی فرد را تشکیل می‌دهند وجود دارد. ایدئولوژی در بر گیرنده احکام جازم و قطعی است و لزوماً ناظر به زمینه‌های فلسفی، سیاسی است؛ هر چند غالباً در زمینه‌های اجتماعی و فردی نیز، احکام باید و نبایندی متعینی ارائه می‌دهد. مسایل عقیدتی و مذهبی ضرورتاً به زمینه‌های فلسفی و سیاسی راجع نمی‌شوند. با این حال در طول تاریخ وجودی مذهب، قلمروهای متداخل و مشترک و متضادی با مباحث و گرایش‌های فلسفی داشته است. بسط مذهب بیشتر در امور فردی و کمتر در مسایل اجتماعی است و در هر حال از قالب‌های مترادف ایدئولوژی در خصوص رفتارهای فردی و جمعی افراد، دور است. مضامین سؤال‌های پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش در بُعد ایدئولوژیک بیشتر به مسایل اعتقادی و مذهبی و بعضاً و کمتر به مواضع ایدئولوژیک نزدیک هستند و رابطه عموم و خصوص من‌وجه مذهب و ایدئولوژی را پوشش می‌دهد. با این اوصاف ترجیح داده شده اصطلاح خود واضعان (بُعد ایدئولوژیک) به کار گرفته شود. بُعد بین فردی به توان فرد در ارتباط

-
1. trust 2. autonomy
 1. initiative 4. doubt
 1. guilt feeling

مؤثر و سازگاری در مناسبات متعدّد و مختلف میان فردی و توفیق در تعامل‌های اجتماعی و ظرفیت تحمّل بالای وی برای مدیریت مناسبات بین شخصی اطلاق می‌شود. افرادی که فاقد این بُعد هویتی هستند به سرعت و به سهولت دچار رفتار واکنشی با دیگران می‌شوند و افرادی که واجد این بُعد هویتی هستند با تسلّط و رضایت در رفتارهای تعاملی و اجتماعی وارد می‌شوند.

بر مبنای نظریهٔ اریکسون (۱۹۶۸) و مارسیا (۱۹۶۶) انتظار می‌رفت هویت‌های موفق و معوق به ویژه دومی گسترهٔ بیشتری در دانشجویان داشته باشد. همچنین بر مبنای نظر اریکسون، گیلیگان و مارسیا تمایز هویت‌های جنسیتی قابل انتظار بود. بر مبنای نظر مارسیا دفع ترس و اضطراب در هویت‌های زودرس بارز به نظر می‌رسید. فقدان تحمّل و وجود پرخاشگری در هویت‌های آشفته و وجود سازگاری، تحمّل و همنوایی در هویت‌های موفق از مفاهیم نظری و مفروضه‌هایی است که بر مبنای پژوهش‌های انجام یافته در این حیطه قابل انتظار به نظر می‌رسد.

روش پژوهش

در بررسی پژوهشی حاضر از زمینهٔ این مفروضهٔ پژوهشی حرکت شده که علت بخشی از رفتارهای مورد مشاهده به ساخت و پایگاه و جایگاه هویتی افراد باز می‌شود. با توجه به این که بر مبنای نظریه‌های تحولی روان‌شناختی، دورهٔ دانشجویی، سال‌های انتهایی نوجوانی و آغازین جوانی محسوب می‌شود و بنابراین نظریه‌ها تصوّر بر آن است که در این دوره تشخیص و پایگاه هویتی بعد از طی بحران‌های اکتشافی به تدریج استقرار می‌یابد و تحقق یا عدم تحقق هویت و به تعادل رسیدن بحران‌های هویت طلبی و تجربه‌های نقش می‌تواند از یک سو به شکل‌گیری انواع مختلف هویت‌های بهنجار و نابهنجار انجامیده و از سوی دیگر این زمینهٔ هویتی خود منجر به اشکال متنوعی از رفتارهای هویتی مطلوب و نامطلوب در دو جنس، سنین و رشته‌های مختلف و موقعیت تحصیلی خود و والدین که مصادیقی از آن در این بررسی مدنظر است، می‌شود. چون علت مفروض یعنی متغیر مستقل به بروز واقعه‌ای در گذشته مربوط بوده این تحلیل نوعی تحلیل پس رویدادی است. در حقیقت قابل انتظار است که در موقعیت‌های مختلف و متنوع مذکور و در بُعدهای کلی، ایدئولوژیک و بین فردی، پایگاه‌ها و سنخ‌های هویتی بهنجار (موفق و معوق) و نابهنجار (زودرس و آشفته) متفاوت و متمایز تکوین یافته و ظهور یابند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من^۱ (EOM – EIS2)

این پرسشنامه از سوی آدامز و همکارانش در سال ۱۹۸۶ تکمیل و گسترش یافته و دارای ۶۴ سؤال است (برای هر بُعد هویتی "بین فردی" و "ایدئولوژیک" ۸ سؤال در نظر گرفته شده است). در سال‌های اخیر ترجمه و کاربرد آن در ۳۷ کشور گزارش شده است. با هدف ارزیابی عینی هویت ابتدا در سال ۱۹۸۴ پرسشنامه OM – EIS و سپس در سال ۱۹۸۶ پرسشنامه EOM – EIS2 از سوی آدامز و همکارانش تهیه شد.

پرسشنامه واجد دو بخش عقیدتی (ایدئولوژیک) شامل ۳۲ سؤال و بین شخصی شامل ۳۲ سؤال با ۴ محتوای هویتی موفق، معوق، مغشوش و زودرس است (آدامز، ۱۹۸۵). بر اساس گزارش‌های مختلف پژوهشی و هنجارسازی این پرسشنامه، نمره‌های برشی در هر یک از موارد هشت‌گانه تعیین شده که از روی آن با توجه به بالاترین نمره هر فرد می‌توان هویت او را در دو بعد ایدئولوژیک و بین فردی و همچنین در هویت کلی مشخص ساخت. در پرسشنامه آدامز در بخش هویت فردی برای مشخص ساختن روابط میان فردی با جنس مخالف از قرار ملاقات (Dating) استفاده شده که در ایران برخی استفاده‌کنندگان به جای آن به مشخص کردن رابطه فرد با جنس مخالف، ازدواج و انتخاب همسر، پرداخته‌اند که توجیه منطقی و روش‌شناختی مقبولی ندارد.

آدامز و همکاران روایی و اعتبار پرسشنامه را در حد قابل قبولی گزارش کرده‌اند. نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ از سوی بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۶ در هر دو مقیاس از ۰/۶۲ تا ۰/۷۵ گزارش شده است. همچنین ضریب اعتبار آزمون – آزمون مجدد محاسبه شده از سوی گروت ونت و آدامز در سال ۱۹۸۴ از ۰/۵۹ تا ۰/۸۲ گزارش شده است. پژوهش رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۷۹) شکرکن و همکاران (۱۳۸۰) آقاسلطانی (۱۳۷۸) شیخ روحانی (۱۳۷۸) در خصوص دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های مختلف نتایج مؤید مشابهی در این خصوص به دست داده‌اند.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری

کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های شهر تهران (تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات

و فناوری) به علاوه دانشگاه شاهد خارج از محدوده وزارت علوم و ساکن در خوابگاه و مشغول به تحصیل در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری در سال تحصیلی ۸۷ - ۸۶ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند که تعداد این دانشجویان حدود ۱۵ هزار نفر است.

نمونه و روش انتخاب نمونه

در نمونه‌گیری خوشه‌ای، واحد اندازه‌گیری فرد نیست بلکه گروهی از افراد هستند که به صورت طبیعی شکل گرفته و گروه خود را تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری خوشه‌ای زمانی به کار می‌رود که انتخاب گروهی از افراد امکان‌پذیر و آسان‌تر از انتخاب افراد در یک جامعه تعریف شده باشد (دلور، ۱۳۸۳).

به منظور انتخاب نمونه مورد نیاز پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، ابتدا از بین تمامی دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شهر تهران، دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، صنعتی شریف به علاوه الزهرا، تربیت مدرس و شاهد (با هدف قابلیت تعمیم بیشتر موارد خوابگاهی دانشجویان، دانشگاه تربیت مدرس - دانشجویان اختصاصاً ارشد و دکتری - دانشگاه شاهد - بیرون از پوشش وزارت علوم و تحقیقات و فناوری - و دانشگاه الزهرا - که اختصاص به دختران دارد - نیز بر این جامعه افزوده شد) به صورت تصادفی انتخاب و سپس از بین خوابگاه‌های هر دانشگاه، دو خوابگاه دخترانه و دو خوابگاه پسرانه به صورت تصادفی (با در نظر گرفتن مقطع تحصیلی و رشته دانشجویان) انتخاب و دانشجویان در دسترس ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی مورد آزمون قرار گرفتند (لازم به ذکر است به دلیل عدم امکان تهیه فهرستی کامل از دانشجویان ساکن در خوابگاه‌ها، انتخاب دانشجویان به صورت تصادفی صورت نگرفته و از دانشجویان در دسترس استفاده شده است).

در پژوهش حاضر تعداد ۷۱۰ پرسشنامه (با در نظر گرفتن احتمال ریزش ۱۰ درصد) در بین دانشجویان توزیع شد. لازم به ذکر است که در هر دانشگاه به استثنای دانشگاه‌های تهران (تعداد ۱۵۰ پرسشنامه به دلیل حجم بالای دانشجویان) و الزهرا (۶۰ پرسشنامه به دلیل تک جنسیتی بودن)، در سایر دانشگاه‌ها تعداد ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل شد. در نهایت بعد از واریسی پرسشنامه‌ها، تعدادی از آنها به دلیل نقص اساسی در تکمیل پرسشنامه‌ها، مانند تکمیل نشدن هر دو پرسش‌نامه و وجود سؤال‌های بی‌پاسخ در پرسشنامه هویت، از پژوهش حذف شدند. که در نهایت ۶۱۲ پرسشنامه مورد بررسی‌های آماری و پژوهشی قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش جنبه‌های واگرایانه نسبتاً زیادی با نظریه‌های هویتی و پژوهش‌های پیشین خارجی و داخلی در این زمینه نشان می‌دهد. هویت موفق تنها حدود ۲۵ درصد دانشجویان را تشکیل می‌دهد و هویت زودرس حدود نیمی از دانشجویان را در بر می‌گیرد. برخلاف تصور اریکسون و مارسیا هویت معوق که سنخ جستجوگرانه و چون و چراگر هویتی است و پیش بینی شده در دانشجویان زیاد باشد، چنین نبود. کمیت هویت آشفته که نوعی اغتشاش در هویت و بلاتکلیفی در تشخیص را نمایان‌گر است هر چند پس از هویت‌های زودرس و موفق قرار می‌گیرد، اما قابل توجه و نگران‌زا است. این یافته‌ها در بُعدهای کلی، ایدئولوژیک و بین فردی در بخش‌های توصیف جدول‌ها و تبیین نتایج به تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر پایگاه‌های هویت کلی، ایدئولوژیک و هویت بین فردی (افراد نمونه به تفکیک جنسیت)

شخص‌های توصیفی نوع هویت و جنسیت		هویت کلی		هویت ایدئولوژیک		هویت بین فردی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
آشفته	زن	۲۵	%۴۲	۵۵	%۵۲	۳۳	%۳۹
	مرد	۳۴	%۵۸	۵۱	%۴۸	۵۳	%۶۱
	کل	۵۹	%۱۰/۵	۱۰۶	%۱۸/۷	۸۶	%۱۵/۲
معوق	زن	۱۴	%۵۴	۱۲	%۴۴	۱۴	%۵۶
	مرد	۱۲	%۴۶	۱۵	%۵۶	۱۱	%۴۴
	کل	۲۶	%۴/۶	۲۷	%۴/۷	۲۵	%۴/۴
موفق	زن	۶۸	%۵۴	۸۷	%۵۹	۷۵	%۶۰
	مرد	۵۸	%۴۶	۶۱	%۴۱	۴۹	%۴۰
	کل	۱۲۶	%۲۲	۱۴۸	%۲۶/۲	۱۲۴	%۲۱/۹
زودرس	زن	۱۶۷	%۵۸	۱۳۱	%۵۵	۱۷۶	%۵۹
	مرد	۱۱۸	%۴۲	۱۰۷	%۴۵	۱۲۲	%۴۱
	کل	۲۸۵	%۵۰	۲۳۸	%۴۳/۹	۲۹۸	%۵۲/۸
در حال گذر	زن	۱۲	%۴۶	۱۰	%۴۸	۸	%۴۰
	مرد	۱۴	%۵۴	۱۱	%۵۲	۱۲	%۶۰
	کل	۲۶	%۴/۶	۲۱	%۳/۷	۲۰	%۳/۵
هیچ کدام		۴۲	%۷/۴	۱۴	%۲/۴	۱۱	%۱/۹
مجموع		۵۶۴	%۱۰۰	۵۶۴	%۱۰۰	۵۶۴	%۱۰۰
نامشخص		۴۸	%۷/۸	۴۸	%۷/۸	۴۸	%۷/۸

جدول ۱، پایگاه هویتی افراد را در سه بُعد کلی، ایدئولوژیک و بین فردی به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. به ترتیب وضعیت هویت دانشجویان در سه بُعد کلی، ایدئولوژیک و بین فردی عبارت است از هویت‌های زودرس ۲۸۵ نفر (۵۰٪)، ۲۳۸ نفر (۴۳/۹٪) و ۲۹۸ نفر (۵۲/۸٪)، موفق ۱۲۶ نفر (۲۲٪)، ۱۴۸ نفر (۲۶/۲٪) و ۱۲۴ نفر (۲۱/۹٪)، آشفته ۵۹ نفر (۱۰/۵٪)، ۱۰۶ نفر (۱۸/۷٪) و ۸۶ نفر (۱۵/۲٪) و معوق ۲۶ نفر (۴/۶٪)، ۲۷ نفر (۴/۷٪) و ۲۵ نفر (۴/۴٪). در بعد ایدئولوژیک بیش از ۴۰٪ هویت پیشینی (زودرس) را پذیرفته‌اند و بیش از ۲۴٪ هویتی مستقل (موفق) از انتخاب‌های پیشینی نشان داده‌اند. در هر سه نوع هویت کلی، بین فردی و ایدئولوژیک، هویت وابسته و انفعالی زودرس که حاکی از هنجارپذیری و هنجارگرایی غیرفعال و غیرانتخابی است، غالب و مسلط بوده و تقریباً نیمی از دانشجویان را تشکیل می‌دهد.

جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون χ^2 چندمتغیری مربوط به بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویتی کلی،

ایدئولوژیک و بین فردی و متغیر جنسیت

شاخص‌های آماری متغیرها	χ^2	df	ضریب توافقی c	Pvalue
هویت کلی	۸/۴۱	۵	-	۰/۱۳
هویت ایدئولوژیک	۴/۵۹	۵	-	۰/۴۶
هویت بین فردی	۱۶/۳۶	۵	۰/۱۶	۰/۰۰۶

به منظور بررسی میزان تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار دو متغیر جنسیت و نوع هویت کلی، ایدئولوژیک و بین فردی آزمودنی‌ها، آزمون χ^2 محاسبه و در جدول بالا ارایه شده است. با توجه به مقادیر بحرانی χ^2 در سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ (به ترتیب ۱۱/۰۷ و ۱۵/۰۹) و نتیجه حاصل از محاسبه آزمون χ^2 (۸/۴۱) در هویت کلی با درجه آزادی ۵ می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت بین فراوانی‌های دو متغیر در هیچ یک از سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار نبوده و اندک تفاوت‌های مشاهده شده متغیرها، ناشی از خطای نمونه‌گیری و تصادفی است. همچنین نتایج حاصل از آزمون χ^2 جهت مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در دو متغیر نوع هویت ایدئولوژیک و جنسیت (۴/۵۹) با درجه آزادی ۵ در هیچ یک از سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار نیست و نتیجه می‌گیریم بین جنسیت و نوع هویت افراد، رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به مقادیر موجود χ^2 جدول، در مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار بین جنسیت و نوع هویت بین فردی آزمودنی‌ها مقدار ۱۶/۳۶ به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت بین جنسیت و نوع هویت آزمودنی‌ها در سطح ۰/۰۱ معنادار است و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تصادفی و ناشی از خطای نمونه‌گیری نبوده است. به منظور تعیین شدت و میزان این ارتباط

ضریب توافقی c محاسبه شده ۰/۱۶ بوده و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین بر اساس نتایج مندرج در جدول در خصوص فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار متغیرهای مورد بررسی، می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تفاوت‌ها مربوط به هویت‌های آشفته، موفق و زودرس است. به عبارت دیگر این سه هویت در معنادار شدن تفاوت‌ها سهم بیشتری داشته‌اند. به منظور گزارش و استنباط دقیق‌تر در میزان تفاوت بین متغیرهای هویت و جنسیت آزمون χ^2 تک متغیری به عنوان آزمون مکمل در تأیید نتایج مقایسه‌های فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار محاسبه و گزارش شد.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون χ^2 تک متغیری مربوط به بررسی رابطه بین متغیرهای هویت بین فردی و جنسیت

شاخص‌های آماری و متغیرها	زن	مرد	χ^2	df	Pvalue
هویت آشفته	۳۳	۵۳	۴/۶۵	۱	۰/۰۳
هویت زودرس	۱۷۶	۱۲۲	۹/۷۸	۱	۰/۰۰۲
هویت معوق	۱۴	۱۱	۰/۳۶	۱	۰/۵۴
هویت موفق	۷۵	۴۹	۵/۴۵	۱	۰/۰۲

جدول بالا نتایج آزمون χ^2 تک متغیری در بررسی رابطه چهار پایگاه هویتی بین فردی و جنسیت را به صورت اختصاصی و مجزا نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود بین دو جنس زن و مرد در هویت زودرس (در سطح ۰/۰۱) و هویت‌های آشفته و موفق (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. اما بین دو جنس در هویت معوق، تفاوت معناداری به چشم نمی‌خورد.

جدول ۴: خلاصه نتایج آزمون χ^2 چندمتغیری مربوط به بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویتی

کلی، ایدئولوژیک و بین فردی و متغیر سن

شاخص‌های آماری متغیرها	χ^2	df	ضریب توافقی c	Pvalue
هویت کلی	۶۲/۶۴	۱۵	۰/۳۲	۰/۰۰۱
هویت ایدئولوژیک	۱۴/۵۴	۱۵	۰/۴	۰/۴
هویت بین فردی	۷۶/۶۵	۱۵	۰/۳۵	۰/۰۰۱

نتایج حاصل از آزمون χ^2 جهت مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در هر سه بعد هویتی کلی، ایدئولوژیک و بین فردی و سن دانشجویان در جدول شماره ۴ به طور خلاصه ارائه شده است. با توجه به میزان χ^2 به دست آمده در بررسی نوع هویت دانشجویان در سنین مختلف می‌توان نتیجه گرفت که نوع هویت کلی (۶۲/۶۴) و بین فردی (۷۶/۶۵) دانشجویان متفاوت بوده و این تفاوت در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین به منظور انجام مقایسه‌های دقیق و اختصاصی در میزان تفاوت هویت دانشجویان و گروه‌های سنی، آزمون χ^2

۱۰۱ — بررسی سنخ‌های هویتی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

تک متغیری محاسبه و در جدول‌های زیر ارایه شده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون χ^2 تک متغیری مربوط به بررسی رابطه بین

متغیرهای هویت کلی و سن

Pvalue	df	χ^2	سنین ۲۶ تا ۳۰ سال	سنین ۲۲ تا ۲۵	سنین ۱۸ تا ۲۱ سال	شاخص‌های آماری و متغیرها
۰/۰۰۰۸	۲	۹/۵۷	۹	۲۸	۲۰	هویت آشفته
۰/۰۰۰۱	۲	۸۷/۳۷	۱۸	۱۳۷	۱۰۳	هویت زودرس
۰/۳	۲	۲/۳۸	۱۰	۱۱	۵	هویت معوق
۰/۰۰۱	۲	۸/۲۴	۳۳	۵۶	۳۴	هویت موفق

جدول شماره ۵ بیان‌گر تفاوت معنادار سه گروه سنی (۱۸ تا ۲۱، ۲۲ تا ۲۵، ۲۶ تا ۳۰) در هویت‌های آشفته، زودرس و موفق است. همان گونه که مشاهده می‌شود با افزایش سن، تعداد دانشجویان دارای هویت‌های آشفته و زودرس کاهش و هویت موفق افزایش می‌یابد.

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون χ^2 تک متغیری مربوط به بررسی رابطه بین

متغیرهای هویت بین فردی و سن

Pvalue	df	χ^2	سنین ۲۶ تا ۳۰ سال	سنین ۲۲ تا ۲۵	سنین ۱۸ تا ۲۱ سال	شاخص‌های آماری و متغیرها
۰/۰۰۱	۲	۱۴/۷۲	۱۳	۴۱	۲۶	هویت آشفته
۰/۰۰۱	۲	۷۹/۰۶	۲۴	۱۳۹	۱۱۳	هویت زودرس
۰/۲	۲	۳/۱۶	۱۵	۸	۸	هویت معوق
۰/۰۰۱	۲	۲۱/۱۲	۳۲	۶۰	۲۹	هویت موفق

نتایج به دست آمده از محاسبه χ^2 تک متغیری در بررسی رابطه میان هویت بین فردی و گروه‌های سنی دانشجویان (۱۸ تا ۲۱، ۲۲ تا ۲۵، ۲۶ تا ۳۰) در جدول شماره ۶ ارایه شده است. نتایج، نشان‌گر تفاوت معنادار بین سه گروه مختلف سنی در سه هویت آشفته (۱۴/۷۲)، زودرس (۷۹/۰۶) و موفق (۲۱/۱۲) است. در این نوع هویت نیز همچون هویت کلی، دانشجویان سنین بالاتر از هویت بهنجارتری برخوردار هستند.

جدول ۷: خلاصه نتایج آزمون χ^2 چندمتغیری مربوط به بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویتی

کلی، ایدئولوژیک و بین فردی و متغیر مقطع تحصیلی

Pvalue	c	ضریب توافقی	df	χ^2	شاخص‌های آماری متغیرها
۰/۸۹	-	-	۲۴	۱۵/۸۷	هویت کلی
۰/۸۸	-	-	۲۴	۱۶/۲۱	هویت ایدئولوژیک
۰/۶۱	-	-	۲۴	۲۱/۴۶	هویت بین فردی

نتایج به دست آمده از بررسی رابطه میان مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و نوع هویت دانشجویان در هر سه بُعد کلی، ایدئولوژیک و بین فردی دانشجویان، حاکی از عدم وجود رابطه و به عبارتی عدم وجود تفاوت معنادار میان گروه‌های مختلف تحصیلی است.

جدول ۸: خلاصه نتایج آزمون χ^2 چندمتغیری مربوط به بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویتی

کلی، ایدئولوژیک و بین فردی و متغیر تحصیلات والدین

شاخص‌های آماری متغیرها	χ^2	df	ضریب توافقی c	Pvalue
هویت کلی	۳۵/۱۴	۳۰	-	۰/۲۳
هویت ایدئولوژیک	۳۰/۱۱	۳۰	-	۰/۴۶
هویت بین فردی	۳۰/۲۵	۳۰	-	۰/۴۵

جدول ۸ دربردارنده نتایج محاسبه آزمون χ^2 در بررسی ارتباط میان میزان تحصیلات والدین و نوع هویت دانشجویان در سه بُعد کلی، ایدئولوژیک و بین فردی است. نتایج نشان‌گر عدم وجود رابطه معنادار میان میزان تحصیلات والدین و سه بُعد هویت کلی، ایدئولوژیک و بین فردی است.

بحث و تبیین

به نظر ماتوس و همکاران (۱۹۹۹) روابط با والدین در افراد دارای هویت زودرس با هدف دفاع از ارزش‌های رایج در خانواده است و احتمال بازگشت و طغیان نسبت به آن تعهد نیاندیشیده وجود دارد. در واقع القائنات اجباری پذیرفته در سنین خاص با واکنشی معکوس در روند پدید آمدن استقلال نسبی، وارونه می‌شود و این طغیان‌ها پوشش تخلیه شده این قبول‌های بی‌اختیار بوده است. تعهدهایی که با انفعال درونی و تحمیل بیرونی همراه بوده است. این نظر ماتوس با یافته‌های پژوهش رحیمی نژاد (۱۳۷۹) مبنی بر این که به طور منظم درصد دانشجویان دنباله‌رو کاهش یافته و درصد دانشجویان هویت یافته افزایش می‌یابد نوعی مطابقت دارد؛ با این حال در پژوهش ما این روند نزولی و صعودی در هویت‌های زودرس و موفق نمود روشنی نداشت. مارسیا (۱۹۶۶) نیز بر این باور بود که زمینه مشوق دانشگاه و فرصت مناسب حضور در آن می‌تواند منجر به تغییر و تحوّل هویت زودرس به هویت موفق شود، اما در پژوهش ما اگر فرایند عکسی روی نداده باشد، مطمئناً روند تبدیل مثبت به وقوع نپیوسته است. اریکسون نیز سال‌های اولیه دانشگاه را زمینه مساعدی در گستره هویت معوق می‌شناخت. بزعم وی پرفراوانی‌ترین و وسیع‌ترین سنخ هویتی در میان دانشجویان که ترغیب به کنکاش و نقد پذیرفته‌ها و تأمل در آنان صورت می‌گیرد هویت معوق است. با این حال چنین یافته‌ای اصلاً در

بررسی سنخ‌های هویتی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران — ۱۰۳

پژوهش حاضر تأمین نشد از این نظر با یافته‌های مونرو و آدامز (۱۹۷۷)، آرچر و واترمن (۱۹۹۴)، اسرایت ماتر (۱۹۹۳)، پاشا و گل‌شکوه (۱۳۸۲)، مرتوس (۱۹۸۸)، شکرکن و همکاران (۱۳۸۰) که بین ۲۵٪ تا ۳۰٪ دانشجویان را در پژوهش‌های خود واجد هویت معوق دانسته‌اند نیز مغایر است.

وجود هویت زودرس در زنان و تفاوت معنادار با مردان در سطح ۱٪ با نظرات اریکسون (۱۹۶۸) و گیلیگان (۱۹۸۲) که به مسیر پیشرفت متفاوت زنان از مردان اشاره دارند، مطابقت دارد. در زنان، ترکیب صمیمیت و هویت بر هویت ارجحیت دارد و تلاش و رقابت به سود تأمین رضایت دیگران که برایشان محوریت دارد، تقلیل می‌یابد. طبعاً این ویژگی‌های انفعالی هم‌نویانه در هویت‌های زودرس بیشتر است. در واقع زنان در روند اجتماعی شدن بیشتر بر انگیزه سازگاری و صمیمیت و مردان بیشتر بر انگیزه رقابت و پیشرفت متمرکز هستند. مارسیا (۱۹۶۶) نیز بر مبنای همین معنا، مردان موفق و معوق را نزدیک می‌دید و زنان موفق و زودرس را بیشتر نزدیک می‌دانست. به زعم مارسیا زنان برای مورد تأیید واقع شدن تحت فشار هستند و سازگاری برایشان واجد اهمیت است. کمی هویت معوق نیز به همین توضیح در زنان قابل تبیین است چه این نوع هویت بی‌ثبات‌ترین هویت است و زنان در پیوندجویی و سازگاری به دنبال ثبات هستند. در عین حال مردان به دلیل انجام رقابت و تعقیب انگیزه‌های پیشرفت در حالت‌های بیشتری از بی‌تعادلی قرار می‌گیرند و این از اقتضائات هویت معوق است. با این حال در پژوهش حاضر مجموع واجدان هویت معوق در هیچ موردی بیشتر از ۵ درصد آزمودنی‌ها را تشکیل نمی‌داد.

لارگین (۱۹۸۷) نشان داد تعهد به هویت با ترس از پیامدهای رفتار رابطه معکوس دارد. در حقیقت اجتناب از ترس و اضطراب به عنوان پیامد منفی رفتار است که افراد واجد هویت زودرس را وامی‌دارد به تعهد غیرجستجوگرانه و تبعیت پذیرانه و انطباقی با مراجع قدرت دست زنند. کروگر (۱۹۹۰) نیز نشان داد افراد زودرس و آشفته فاقد احساس امنیت و درگیر عزت نفس پایین هستند. در پژوهش هاچر و براچ (۱۹۹۴) هم میان کمرویی با هویت آشفته و زودرس همبستگی مثبت مشاهده شد. ماتوس و همکاران (۱۹۹۹) معتقد بودند افراد واجد هویت زودرس و در واقع تعهد زود هنگام در هنگام مواجهه با چالش‌های زندگی به شتاب زدگی در تعهد واقف شده و با واکنشی عکس پیشین رفتار می‌کنند. قبول تعهد و هویت زودرس جدای از بیرون رفتن از بلاتکلیفی، آنها را از تعارض و دغدغه نایمندی و از دست دادن تبعات مثبت برخوردار می‌کند. از هویت نیز مصون و آسوده می‌دارد. به نظر می‌رسد در گستره جوامعی که ترسندگی محافظه‌کاری، کنترل بیرونی استبدادی و اعمال شیوه‌های تربیتی، آموزشی و رسمی

کنترلی شدت دارد، افزایش هویت زودرس که به هدف ایمنی از مؤاخذة و مجازات صورت می‌گیرد، بیشتر است. چه متوقف ساختن فرهنگ رفتاری پرسشگری و چون و چرا کردن هدف اصلی سیستم‌های تنبیهی و استبدادی است. این زمینه‌های تربیتی، آموزشی و اجتماعی احصا شده در فرهنگ و جامعه ایران وجود دارد و طبعاً فرونی این نوع هویت دور از انتظار نباید باشد. مطابق پژوهش‌های مارسیا (۱۹۶۶، ۱۹۶۷) وضعیت موفق هویتی ۲۱٪ و ۲۰٪ بوده است که با یافته ما نیز مطابق است در این افراد تعهد در سرانجام بحران جستجوگرانه و به هنگام صورت می‌گیرد.

تحمّل، موجب اصلی هم‌نوایی و سازگاری در روابط بین فردی است. دانشجویان خوابگاهی در درون خود و با گروه‌های بیرونی درگیر روابط متعددی هستند، از این رو فقدان تحمّل می‌تواند منجر به رفتارهای واکنشی شود. واکنش بیرونی موجب دست یازیدن به پرخاشگری علیه دیگران و رفتار ضد اجتماعی و طبعاً آسیب اجتماعی است و واکنش درونی موجب تعارض و اضطراب و بازداری رفتاری و رفتاری غیراجتماعی و آسیبی روانی است، در هر دو حال ناسازگاری‌ها و کژسازگاری‌ها افزایش یافته و تشدید می‌شوند. حدود ۴۰٪ دانشجویان دانشگاه‌های تهران فاقد تحمّل و در واقع فاقد ظرفیت در روابط بین فردی بوده‌اند. فقدان تحمّل در هویت‌های موفق، زودرس، معوق، و آشفته به ترتیب ۲۵٪، ۴۳٪، و ۴۵٪ بوده است. فقدان تحمّل از مشخصه‌های اصلی هویت‌های غیرموفق به ویژه هویت‌های زودرس و آشفته است. در عین حال بر اساس نظریه‌ها بالاترین ظرفیت رفتاری و تحمّل در هویت موفق وجود دارد. این گروه واجد تحمّلی فعال و توأم با باور درونی هستند و در هم‌نوایی‌های فعال و یا حفظ استقلال رأی وارد می‌شوند. فقدان تحمّل در هویت‌های زودرس می‌تواند نشان‌گر واکنش زیاد درونی آنها علی‌رغم سازش‌پذیری و یا سازش‌کاری‌های وسیع بیرونی باشد. در این افراد انطباق‌پذیری آشکار، بیشتر پوشاننده نگرانی‌های رفتاری و نبود انگیزه‌های درونی است. این هم‌نوایی‌ها غالباً انفعالی غیر انتخابی و بالتبع غیرارادی است و با از دست رفتن استقلال رأی و نظر و فکر و سلیقه همراه است. فقدان تحمّل در هویت آشفته محسوس و مؤید مفروضه‌ها است. این گروه‌ها مانند افراد دچار هویت زودرس که به واکنش تند درونی علیه خود عادت دارند و تنها انطباق صوری نشان می‌دهند با واکنش‌های تند ناهم‌نوایانه و پرخاشگرانه ناسازگار و غیرهم‌نوا و متحجر و غیرمنعطف رفتار می‌کنند. این نوع رفتار با ویژگی‌های تندخویی، کژتابی و کج‌خلقی، منفی‌بافی و غیر چارچوب‌مندی آنها البته موافقت دارد. بالا بودن نسبی هویت معوق در بُعد ایدئولوژیک ضمن اغتشاش هویتی، اغتشاش ذهنی و بلا تکلیفی نظری و بالا بودن نسبی این هویت در بُعد میان فردی اختلال آشکار در مناسبات اجتماعی را نشان می‌دهد.

نداشتن تحمل در بُعد ایدئولوژیک که نشان‌گر ضعف اعتقادی است در این افراد دچار هویت آشفته بیشتر است و عدم انعطاف‌پذیری در بُعد میان‌فردی که نشان‌گر ناتوانی و فقد مهارت‌های اجتماعی است در افراد با هویت زودرس بیشتر است. گروه اخیر (هویت زودرس) بیشتر به رفتارهای غیراجتماعی و افراد با هویت آشفته بیشتر به رفتارهای ضد اجتماعی اشتغال دارند.

هویت موفق نسبت به دیگر هویت‌ها واجد تحمل بیشتری هستند و در افراد موفق این میزان تحمل به صورت معناداری از هویت زودرس بیشتر است. ۴۵٪ از آزمودنی‌ها به طور کلی و در همه بُعدهای هویتی کلی، ایدئولوژیک و بین‌فردی تصریح بر روابط نامناسب با والدین داشته‌اند. هویت آشفته که اساساً دچار روابط میان‌فردی مختلفی است، بدترین مناسبات را با والدین داشت. میزان مناسبات نامناسب با والدین در مردان بیشتر بود، که البته و در عین حال به صراحت پاسخ‌گویی مردان و اذعان روشن‌تر آنها به مسایل خویش نیز باز می‌شود. در کل مردان رفتار مقاومتری نسبت به سؤال‌هایی که تابوئی و نزدیک ناشدنی در فرهنگ ما به نظر می‌رسید، نشان می‌دادند. در هویت معوق این عدم ارتباط مناسب با والدین می‌تواند به شک‌گرایی اقتضایی فراشد تحول نوجوانی و جوانی راجع شود.

مطابق پژوهش نصرتی، مظاهری، حیدری (۱۳۸۵) نیز افراد واجد هویت مغشوش، مختل‌ترین روابط را با والدین داشته‌اند و بیشتر در معرض آسیب‌پذیری اجتماعی و مصارف الکل و مواد بوده‌اند. این نیز به فرایند مرضی اجتماعی‌پذیری آنها باز می‌شود. افراد واجد هویت موفق ارتباط مناسب‌تری با والدین خود داشتند. در کل افراد واجد هویت‌های موفق و زودرس دارای روابط بهتری با والدین نسبت به دو گروه هویتی دیگر هستند.

غلبه زنان به مردان در هویت زودرس به ترتیب در بُعد کلی ۱۶۷ نفر (۵۸٪) به ۱۱۸ نفر (۴۲٪)، در بُعد ایدئولوژیک ۱۳۱ نفر (۵۵٪) به ۱۰۷ نفر (۴۵٪) و در بُعد بین‌فردی ۱۷۶ نفر (۵۹٪) به ۱۲۲ نفر (۴۱٪) مطابقت دارد با نظریات اریکسون (۱۹۶۸) و گیلیگان (۱۹۸۲) و مارسیا (۱۹۶۶) که هر سه به نوعی بر محوریت همگرایی و پیوندجویی در زنان و حفظ ارتباطها و نگه‌داری پیوندها در آنها نسبت به مردان که بر انگیزه‌های استقلال، پیشرفت و رقابت و غلبه متمرکزند، تأکید دارند. در عین حال برتری نسبی زنان در هویت موفق به ترتیب در بُعد کلی ۶۸ نفر (۵۴٪) به ۵۸ نفر (۴۶٪)، در بُعد ایدئولوژیک ۸۷ نفر (۵۹٪) به ۶۱ نفر (۴۱٪) و در بُعد بین‌فردی ۷۵ نفر (۶۰٪) به ۴۹ نفر (۴۰٪) نشان‌دهنده آن است که زنان از نوعی هنجارگرایی و اجتماعی‌پذیری و توان‌سازگاری فرهنگی نیز برخوردارند و آمادگی فعالانه و انتخابی بیشتری برای کنار آمدن با قواعد و قوانین و هنجارهای عمومی بروز می‌دهند.

برتری هویت زودرس در هر سه بُعد کلی، ایدئولوژیک و بین فردی ضمن واگرایی از نظریه‌های اریکسون و مارسیا و تمایز از پژوهش‌های مونرو، آدامز (۱۹۹۷)، آرچر، واترمن (۱۹۹۴)، استرایت ماتر (۱۹۹۳)، مرتوس (۱۹۸۸)، می‌تواند از نظر فرهنگی کاملاً نگران‌زا باشد. تفاوت معنادار هویت بین فردی در دو جنس نیز مشخصاً با آرا اریکسون و گیلیگان مطابق است که در آن نظریه‌ها زنان تلاش بیشتری در حفظ روابط میان فردی دارند.

مقایسه گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۱، ۲۲ تا ۲۵، و ۲۶ تا ۳۰ در دو بُعد کلی و بین فردی در سنخ‌های هویتی آشفته، زودرس و موفق تفاوت معناداری را حاکی بود. به این ترتیب که دانشجویان در گروه‌های سنی دوم (۲۲ تا ۲۵ سال) و سوم (۲۶ تا ۳۰ سال) در سنخ‌های هویتی مذکور در وضعیت متفاوتی قرار داشتند. این یافته بر مبنای تجربه و ممارست در سال‌های حضور در دانشگاه و افزونی تعامل‌های میان فردی قابل تبیین است و با نظریه‌های اریکسون و مارسیا که سال‌های حضور در دانشگاه را که توأم با افزایش سن است عاملی مؤثر در تقویت و تکوین هویت‌های معوق و موفق می‌دانند مطابقت دارد. به ویژه که یافته‌های مذکور مشخصاً نه در بُعد ایدئولوژیک که در ارتباط با بُعد بین فردی مؤید تغییر معنادار هویتی - افزایش هویت‌های موفق و معوق و کاهش هویت‌های زودرس و آشفته - بوده‌اند.

رابطه میان سنخ هویتی و میزان تحصیلات والدین رابطه معناداری نبود. با توجه به زمینه علی تربیتی و آموزشی برای سنخ‌های هویتی این نتیجه برخلاف انتظار بود. دلالت تلویحی نتیجه مذکور آن است که جوانان در تعقیب و تحقق هویت و برخورداری از نوعی هویت مطلوب و دچارآمدگی به نوعی هویت نامطلوب به خود واگذارده می‌شوند، و البته این رهاشده‌گی انتخابی، ارادی و فعال نیست. شاید تفکیک تحصیلات والدین که در این پژوهش صورت نگرفت می‌توانست نتایج متمایزی به دست دهد.

مقاطع تحصیلی دانشجویان نیز در سنخ‌های هویتی تفاوت معناداری نشان ندادند که پیش از هر تبیینی نشان‌گر آن است که تشخص دانشجویان در مقطع کارشناسی تکوین یافته و لزوماً با تغییرات مقاطع تحصیلی تغییری نمی‌کند. هر چند با افزایش تحصیلات هویت‌های زودرس و آشفته تا حدودی تقلیل می‌یابند و هویت‌های موفق و معوق به میزانی افزایش می‌گیرند اما این تغییرات تمایز معناداری را بارز نمی‌سازد؛ تفاوت اندازه‌های نمونه‌ها که امری است ناگزیر در این زمینه مؤثر بوده است.

منابع

- آقاسلطانی، سوسن (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین هویت و خلاقیت در میان دانشجویان سال اول دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- پاشا، غلامرضا و گل‌شکوه، فرزانه (۱۳۸۲). رابطه بین اکتساب هویت و بهداشت روانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ویژه‌نامه مجله دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد چهارم، شماره اول، بهار و تابستان.
- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- شکرکن، حسین، امیدیان، مرتضی، نجاریان، بهمن و حقیقی، جمال (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال هشتم، شماره ۱ و ۲، ص ۹۸ - ۷۳.
- شیخ‌روحانی، سعید (۱۳۷۸). مقایسه اضطراب در پایگاه‌های هویت در دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نصرتی، محمدصالح، مظاهری، محمدعلی و حیدری، محمود (۱۳۸۵). بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دل‌بستگی ایمن پسران نوجوان (۱۴، ۱۶، و ۱۸ ساله) به والدین و همسالان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دوم، شماره ۵، بهار.
- Adams, G. R; Ryan, J. H; Hoffman, F. F; Dobson, W. R; Nielsen, E. C. (1985). **Ego – identity status, confrmity behavior and personality in late adolescence.** Journal of personality and Social Psychology, 47, 1091 – 1104.
- Berzonsky, M. D & Sullivan, C. (1992) **Social cognitive aspects of identity style : Need For Cognition experiential openness, and introspection.** Journal of adolescent Research, 7, 140 – 155.
- Bourne, E (1978). **The state of research on Ego Identity, Are view and Appraisal,** part 1 , Journal of Youth and Adolescence, vol 7, pp 223-248.
- Erikson, E. H . (1968). **Identity, Youth, and crisis.** New York : Norton.
- Hamer, R. J & Bruch, M. A (1994). **The Role of Shyness and Private self – consciousness in Identity Development.** Journal of research in personality, vol 28, pp 425-436.
- Kroger, J (1990). **Ego Structuralization in late adolescence as seen through Early memories and Ego Identity Status.** Journal of adolescence, vol 13, pp65-77.
- Larkin, L (1987). **Identity and Fear of success,** Journal of counseling Psychology, vol 34, pp 45-88.
- Marcia, J. E (1987). **Identity status Approach to the study of Ego Identity Development,** in Honess, T, & Yardley, K (ed), Self and Identity across the life spon, NewYork, Routledge & Kegan Paul.

- Marcia, J. E. (1966). **Development and Validation of ego identity status.** Journal of Personality and Social Psychology, 3, 551 – 558.
- Marcia, J. E (1967). **Ego identity status : Relationship to change in self – esteem. “ general maladjustment ” and authoritarianism,** Journal of Personality, 35, 118 – 133.
- Matos, P. M; Barabosa, S; Dealmeda, H. M; Costa, M. E (1999). **Parental attachment and identity in protuges late adolescents,** Journal of adolescence. 22, 805 – 818.
- Sperintall, N. A. & Sperintall, R. C. (1994). **Educational Psychology :** Development approach tird edition.
- Valde, G (1996). **Identity closure, A fifth Identity Status,** Journal of Genetic psychology, vol 15, pp245-254.

